مناظره الهه کولایی و محمدحسین گلپایگانی

با کلیشه نمی‌شود انسان ساخت

عکس: سعید تاکی، شرق

شهرزاد همتی

چند روز قبل از برگزاری مناظره بین الهه کولایی و محمدصالح گلپایگانی در روزنامه «شرق»، قرار بود مناظره‌ای مشابه میان گلپایگانی و صادق زیباکلام در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شود. نتیجه مشخص است؛ مناظره برگزار نشد و زیباکلام را حتی به داخل دانشکده هم راه ندادند. این حرفه مناظره در «شرق» بود؛ با این تفاوت که ما احساس کردیم حداقل یک طرف از مناظره درباره زنان و حجاب باید زن باشد. گلپایگانی با روی باز دعوت را پذیرفت و به شوخی می‌گفت «شرق» صحبت‌های ما را بالا و پایین نکند... یک بار هم می‌گفت کرسی آزاداندیشی در دانشکده شما ضعیف است. در «شرق» چطور؟ قرار شد یک روز جمعه «شرق» میزبان ریاست سابق ستاد امر به معروف و نهی از منکر و الهه کولایی باشد؛ صبح جمعه قبل از دستگیری صادق زیباکلام. کاملا اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی، آن روز زیباکلام برای مصاحبه‌ای دیگر میهمان «شرق» بود. روی پله‌ها ایستاد و برایمان تعریف کرد که چطور از ورودش به دانشگاه جلوگیری کردند. با خنده می‌گفت: «این مدیر حراست دانشکده‌تان ماشالله خیلی عظیم‌الجثه بود. جلویم ایستاده بود. من آمدم نگاتش بدهم، دیدم نکان‌بخور نیست... برگشتم». زیباکلام گفت و از پله‌ها بالا رفت و گفت سلامش را به کلیپالی برسانیم. مناظره درباره حجاب باید بود و احتمالا این لبد نیز باید مشخصا درباره این مناظره می‌بود. اما تلاقی حضور دو نفر که یکی از آنها را چند روز قبل‌تر به دانشکده علوم اجتماعی راه نداده بودند، برای ما نشانه خوبی بود. روزنامه «شرق» همیشه خانه طیف متفاوتی از اندیشه‌ها بوده؛ از کولایسی تا گلپایگانی و زیباکلام. در دو طبقه مختلف «شرق» گفت‌وگوها بر سر ایران بود؛ نکه‌ای از خاورمیانه که آرزوی دیرینه ما برایش این است که خانه همه ایرانیان باشد. در ادامه لازم به ذکر است که این مناظره در دو قسمت و در روزهای دوشنبه و چهارشنبه به نظر شما خواهد رسید.

در ابتدای انقلاب و در وعده‌ها خبری از حجاب اجباری نبود. بعد از اجباری‌شدن بلافاصله حجاب، از همان روزهای ابتدایی هم اعتراضات را دیدیم؛ زنان زیک جایی به بعد با لباس‌های سیاه سر کار می‌رفتند تا اعتراض‌شان را نشان بدهند. حتی پوشش دهه ابتدای انقلاب خیلی متفاوت و سنگین و حدی بود. انگار یکباره همه چیز تغییر کرد. نمی‌توان اعتراضات به حجاب اجباری را هم به یک دوره محدود کرد. ما راهپیمایی معترضان را داشتیم. استعفا و اخراج داشتیم و در دهه ۷۰ خانم‌ها دارایی، پزشک و فعال سیاسی و فعال حقوق زنان. در اعتراض به این موضوع خودسوزی کرد. اصلا چرا این اتفاقات افتاد؟ چه شد که همه چیز جرقه‌وار و وعده‌ها محقق نشد و به اینجا رسید؟

کولایی: این نکته‌هایی که شما مطرح کردید برای من حکم خاطره دارد. من همه اینها را تجربه کرده‌ام. به‌عنوان کسی که در سال ۵۷ و بعد هم در اولین سال‌های بعد از انقلاب این تحولات را کجوبیش شاهد بودم، واقعا برایم عجیب است. به‌عنوان دانشجویی که در جریان انقلاب فعال بود، با انتظارها و آرزوهای بسیار، در مسیر همان تحولات سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب، تحولات را رصد و حمایت می‌کرد. با توجه به اینکه مادر بودم و فرزند کوچک داشتم، زیاد نمی‌توانستم وارد عرصه‌های عملی شوم و بیشتر یک ناظر بودم. در جایگاه یک انقلابی یکی از مهم‌ترین انتظارهایی که در جریان پیروزی انقلاب به‌عنوان یک زن مسلمان برایم مطرح بود، آزادی انتخاب بود. یعنی تصورم این بود که ما حجاب را انتخاب کردیم و این انتخاب پایدار خواهد بود. درواقع آنچه اصل انقلاب بود که انسان‌ها در مورد سرنوشت خود تصمیم‌گیری خواهند کرد و سبک زندگی، شیوه زندگی‌ای که خودشان دوست دارند. به‌عنوان فردی که در آن دوره فعال بودم، فکر می‌کردم امکان اجرائی و عملیاتی‌شدن آن فراهم خواهد شد. دست‌کم این‌طور به مسئله نگاه می‌کردم. بحث زور و اجبار مطرح نبود. می‌توانم به‌عنوان فردی که در آن دوره زندگی کرده‌ام، شهادت بدهم. من در یک خانواده مذهبی بزرگ شده بودم. در مدرسه علوی اسلامی (که جادر اجباری بود) درس خوانده بودم. تصورم این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تحمیلی در کار نخواهد بود. کسی حکم نخواهد کرد که چه بپوش و چه نپوش. چون خودم این اجبار را تجربه کرده بودم، تصورم این بود که چنین تحمیلی صورت نخواهد گرفت. به یاد دارم زمانی که برای اولین بار شنیدم گفتند در اداره‌ها دیگر با این نوع لباس نمی‌توانید بیایید، یکه خوردم. یک توئیک می‌پوشیدم که پایم هست سرمه‌ای بود و حلقه‌های قرمز. آبی و سبز داشت. یکی از دوستانم گفت تو باید چادر بپوشی. این کار برای من خیلی سخت بود. به توئیک می‌پوشیدم که یکی می‌خواهد دیگری را تخریب کند و یا می‌خواهد آن یکی را خجالت بکند. اینجا آفت جامعه است. من هم در این گفت‌وگو شرکت کردم به‌عنوان احترام به آزادی اندیشه. این‌ماانکه جلسه‌ای باشد که نتیجه آن باعث رشد جامعه و انتخاب بهتر مخاطبان ما باشد. این نکته اول.**

اما راجع به سؤالی که فرمودید؛ اینکه چرا حجاب در اول انقلاب اجباری شد؟ من نکته‌ای را عرض کنم. به نظر می‌رسد یک اصطلاح جعلی در جامعه ما رواج پیدا کرده و همه هم می‌گویند؛ بحث «حجاب اجباری» یا به گفته خانم دکتر «حجاب تحمیلی» است. ببینید، اگر چیزی قانون شد، حتما اجباری است. اصلا ما قانون اختیاری که نداریم. شما در مملکت قانونی را سراغ دارید که بتوانید نشان دهید بگویند «قانون اختیاری»؟! قانون یعنی الزام. یعنی اجبار. یعنی باید اجرا شود. حالا ممکن است شما بیرسید چرا این قانونی شد؟ ممکن است بپرسید چرا حجاب قانونی شد؟ وقتی می‌گویید حجاب اجباری، این واژه بار منفی القا می‌کند. مثلا شما بگویید مالیات اجباری. مگر مالیات آزاد هم داریم؟ خانم دکتر سر کلاس می‌رفتند. امتحان اجباری (امتحان تحمیلی) می‌گیرند. آنجا که هیچ‌وقت رأی‌گیری نمی‌کنند که دانشجوها آیا همه دوست دارید امتحان بدهید؟ احتمالا ۹۹ درصد می‌گویند نه. دوست نداریم. حضور و غیاب اجباری. همه چیز اجباری است. یعنی آن چیزی که قانون و مقررات می‌شود. اجباری می‌شود.

حالا حجاب هم یکی از مقررات کشور شده است. قانون شده است. قانون را همه دارند؛ چه مسلمان باشد چه کافر باشد. یعنی همه باید قوانین یک کشور را انجام دهند. شما در کشور دیگری هم بروید. در همه جا حجاب و پوشش اجباری وجود دارد. مثلا در فرانسه که اصلا کسی حق ندارد برای مدرسه یا دانشگاه موی خودش را بپوشاند. اسم این هم حجاب اجباری است. آنجا هم می‌گویند قانون است.

این حجاب اجباری، اصطلاحی است که بار فکری ندارد، بار منفی داریم برایش ایجاد می‌کنیم. این نکته دوم. اما سؤال شما وقتی انقلاب شد، چه شد؟ وقتی انقلاب شد، قاطبه مردم آمدند گفتند که ما اسلام می‌خواهیم. اسلام می‌خواهیم. من بادم نیست مثلا فرض کنید یکی بگوید برای اقتصاد انقلاب کردیم قیمت فلان جنز می‌خواهیم ارزان شود. در حالی که قبل از انقلاب مردم ما ضعیف و مستضعف بودند و در همین تهران در حلبی‌آباد زندگی می‌کردند. با وجود این یک کرایش قطعی اسلامی اتفاق افتاد. خب! وقتی اسلام می‌خواهند، آمدند یک رهبر دینی را مرجع تقلید را انتخاب کردند. مردم آمدند آن انتخابات (انتخابات هم یک ظهور و بروز اراده مردم آن زمان بود) انجام شد و بالای ۹۸ درصد رأی دادند که ما این جمهوری اسلامی را می‌خواهیم. حتی آن موقع بحث بود که بعضی‌ها می‌گفتند به جای جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی. یعنی این پاسخ به خواست مردم بود. اما تلاقی حضور دو نفر که یکی از آنها را چند روز قبل‌تر به دانشگاه علوم اجتماعی راه نداده بودند، برای ما نشانه خوبی بود. روزنامه «شرق» همیشه خانه طیف متفاوتی از اندیشه‌ها بوده؛ از کولایسی تا گلپایگانی و زیباکلام. در دو طبقه مختلف «شرق» گفت‌وگوها بر سر ایران بود؛ نکه‌ای از خاورمیانه که آرزوی دیرینه ما برایش این است که خانه همه ایرانیان باشد. در ادامه لازم به ذکر است که این مناظره در دو قسمت و در روزهای دوشنبه و چهارشنبه به نظر شما خواهد رسید.

در جایگاه یک انقلابی یکی از مهم‌ترین انتظاریهایی که در جریان پیروزی انقلاب به‌عنوان یک زن مسلمان برایم مطرح بود. آزادی انتخاب بود. یعنی تصورم این بود که ما حجاب را انتخاب کردیم و این انتخاب پایدار خواهد بود. درواقع آنچه اصل انقلاب بود که انسان‌ها در مورد سرنوشت خود تصمیم‌گیری خواهند کرد و سبک زندگی، شیوه زندگی‌ای که خودشان دوست دارند. به‌عنوان فردی که در آن دوره فعال بودم، فکر می‌کردم امکان اجرائی و عملیاتی‌شدن آن فراهم خواهد شد

کولایی: چند نکته را اجازه بفرمایید در ارتباط با سخنان آقای دکتر بادآور شوم. ببینید! در دست می‌فرمایند «قانون» وقتی پیروزی انقلاب شد، یعنی تمام قوای حقوقی و قضایی و اجرائی و تقنینی در اختیار مردم قرار گرفت. پس از رأی مردم، قوای حقوقی به رفتاری داده می‌شود که انسان مختار، آن را انتخاب می‌کند یا نمی‌کند. می‌پذیرید که به این شکل در جامعه ظاهر شود که به عنوان موجود جنسی دیده نشود. به عنوان یک انسان بودن و توانایی‌های انسانی‌اش دنبشود و معلم سر کلاس می‌رود یا در مرجع کار، انسان بودن و توانایی‌های انسانی‌اش دیده شود. نه اینکه یک زن زیباست یا این ویژگی‌ها. این نگاه دست آنکه حجاب را انتخاب می‌کند. آن کسی که انتخاب نمی‌کند، خب انتخاب نمی‌کند. چون قبول ندارد. یعنی شما وقتی با آن همه مجبور به کشف حجاب می‌شوید، آن کسی که حجاب را انتخاب می‌کند، یک جنبه‌هایی را احتمالا در جامعه ما تجربه می‌شود که در هیچ کشور اسلامی چنین چیزی را نمی‌بینید. در جایی که تبعد حجابی در جامعه کار زنانی که حجاب را اختیار و انتخاب نکرده‌اند، در یک روابط کاملا اسلام و صادق و روراست می‌بینید. در حالی که در کشور ما با اجبار حجاب (فعلا به کارکردهای سیاسی آن نمی‌خواهم بپردازم؛ در اینجا وجه فرهنگی و اجتماعی‌اش را مطرح می‌کنم) جامعه با یه زندگی دوگانه، به رفتار دوگانه مبتلا می‌شود که هم‌دیگر. درحالی‌که ما... دستکم من براساس باوری که از کودکی با آموزش‌های خانواده و مدرسه... در همان نظام بادشاهی به ما

آموزش داده شد، همینه باید گرفتیم که الاعمال بالنیات... نیت و اراده من در نزدیکی به خداوند و در طاعت از خداوند. ابعاد بیرونی بیاید و رفتار. وقتی باوری به حفظ حجاب وجود ندارد، می‌شود همین وضعی که در جامعه ما شکل گرفته است.

عرض آخرم این است: ببینید! این دغدغه حکم قرآن و خداست بلکه در قوانین اساسی کشورمان هم آمده. شما از تجربه‌های مشابه آمدن قانون رجیم. خودتان هم به‌درستی اشاره فرمودید که با اجبار نمی‌توانید باوری را در ذهن انسان‌ها وارد کنید. با اجبار، با ابزار زور و نیروی انتظامی، با کشیدن ارشاد، با برخورد و رفتارهایی که در خیابان می‌بینید، در یک کلام با وحشت‌آفرینی نمی‌توان به ترویج حجاب پرداخت. وحشت‌آفرینی که ترویج حجاب نیست. صحنه‌هایی که ما در خیابان‌ها با چشم خودمان می‌بینیم؛ توهین، تحقیر و نبود احترام انسانی به یک زن، به نام اینکه «روسری‌اش عقب رفته» یا «لباست مناسب نیست» و... فکر می‌کنم با بدید انقلاب اسلامی نمی‌خواهد. شما هم به‌درستی فرمودید که ابعاد فرهنگی کلیشه باید برچسبه بود. هدف، ساختن انسان‌ها بود. به‌درستی فرمودید که بحث‌های اقتصادی مهم‌تر بود. چرا؟ چون انسان می‌خواست آن مسیر گشوده و عدالت در کشورمان باز باشد. چرا انقلاب اتفاق افتاد؟ یک بار در مجلس به آقای قالیباف، زمانی که فرمانده نیروی انتظامی بودند، گفتم وقتی شما کار فرهنگی نیست. نیروی انتظامی نیست. نیروی انتظامی کار فرهنگی بکند. کار فرهنگی وظیفه نهادهای دیگر است که متأسفانه وظایف‌شان را رهم بدرستی انجام نمی‌دهند. ولی در قانون حق شهروندی که من هم‌دمند، در جایگاه یک شهروند آنجا شعوری از قانون نقطه در شکم مادر بسته می‌شد. برنامه‌های تعلیم و تربیت را شروع می‌کرد تا مرگ. تا «سان شوروی» ساخته شود. آخر چه شد؟ خودشان اعتراف کردند ما شکست خوردیم.

شما نمی‌توانید با کلیشه‌های‌تان انسان بسازید. انسان به اعتبار هویتی که خداوند به او داده، آزاد و محترم است. ما هم انتظار داشتیم که به اراده و اختیار او احترام گذاشته شود. این همان است که مسیر خودش را انتخاب می‌کند. اما این رفتارهایی که داریم می‌بینیم، فکر می‌کنم با باورها و با اعتقادهای بیشین نمی‌خواهد. جامعه را مترقی‌تر می‌کند. جامعه را فراری می‌سازد. جامعه را دو می‌کند. جامعه را دو می‌کند. در هیچ کشور اسلامی نمی‌بینید. در کشور ما دختران می‌آیند وارد دانشگاه می‌شوند. روسری را سرشان می‌گذارند. از در دانشگاه که خارج می‌شوند روسری را برمی‌دارند (از ما می‌گویم).

این چیزی هست که وضعیت انتظارهای تاجیه توکید کنید. وقتی از زور و سرپیچی و از قانون دو توجه به روح قانون استفاده شود. شکل قانونی به رفتاری داده می‌شود که انسان مختار، آن را انتخاب می‌کند یا نمی‌کند. می‌پذیرید که به این شکل در جامعه ظاهر شود که به عنوان موجود جنسی دیده نشود. به عنوان یک انسان بودن و توانایی‌های انسانی‌اش دنبشود یا معلم سر کلاس می‌رود یا در مرجع کار، انسان بودن و توانایی‌های انسانی‌اش دیده شود. نه اینکه یک زن زیباست یا این ویژگی‌ها. این نگاه دست آنکه حجاب را انتخاب می‌کند. آن کسی که انتخاب نمی‌کند، خب انتخاب نمی‌کند. چون قبول ندارد. یعنی شما وقتی با آن همه مجبور به کشف حجاب می‌شوید، آن کسی که حجاب را انتخاب می‌کند، یک جنبه‌هایی را احتمالا در جامعه ما تجربه می‌شود که در هیچ کشور اسلامی چنین چیزی را نمی‌بینید. در کشورهایی که در روابط کاملا اسلام و صادق و روراست می‌بینید. در حالی که در کشور ما با اجبار حجاب (فعلا به کارکردهای سیاسی آن نمی‌خواهم بپردازم؛ در اینجا وجه فرهنگی و اجتماعی‌اش را مطرح می‌کنم) جامعه با یه زندگی دوگانه، به رفتار دوگانه مبتلا می‌شود که هم‌دمند. درحالی‌که ما... دستکم من براساس باوری که از کودکی با آموزش‌های خانواده و مدرسه... در همان نظام بادشاهی به ما

حالا در بحث پوشش، آیا تعارض ایجاد شد یا نشد؟ اگر شد، قانون لازم دارد قطعا. من به شما عرض کنم؛ هیچ کشوری در دنیا نیست که به قول شما بپوشش و حجاب اجباری نداشته باشد. خب در همه کشورها اجباری است. یعنی شما یک کشور سراغ دارید که مثلا بگوید یکی برهنه به خیابان برود؟

قانون دارند. منتها حد حجاب متفاوت است. در فرانسه می‌گوید حدش این است که من می‌گویم پوشش سر نباید باشد باشید. جای دیگر در آمریکا. حتی در ایالت‌هایشان هم پوشش و حجاب متفاوت است. مگر ما می‌توانیم یک جا بگوییم که بشر هر شکلی حجاب را رندگی کند؟ بله، خداوند متعال در جواب حجاب غریزی و سرخرد برایشان خبر داده. در انسان‌ها هیچ اختلافی بین‌شان وجود ندارد. یک جایی گفت باید با این قوانین که با سبدا شرعی دارد یا مبدا عرفی زندگی اجتماعی را تنظیم کنیم. پس سؤال این می‌شود: آیا قانون اجباری در ایران است؟ خیر در همه دنیاست با اختلاف در حد پوشش. شما می‌فرمایید در ۲۰-۲۵ درصد اسلامی‌ایی‌ها نیست. بعد می‌آید در این کلاس اجباری. کار فرهنگی خب همین‌طوری بود؛ آزاد بود. مگر نبود؟ پس مردم برای چه انقلاب کردند؟ اگر شما می‌فرمایید که بحث آزادی می‌خواهد بشود، آنجا که مسئله شاه که حجاب رفتن بود، آنها به تعبیر خود هم‌گفتند مسائل فکری باید کنترل بشود و مسائل حسمی باید آزاد باشد. خب اگر می‌خواستیم همان آزادی‌های مورد نظر شما را پیاده کنیم، آنجا نباید تیول بود. حالا شما می‌توانید بپرسید که پس چرا قانون اجرا نشد؟ پس چرا این مشکلات پیش آمد؟

شرق: من سؤال اول ما این است که قانون حجاب چرا جرقه‌وار یک باقیه قوانین شد؟ و چرا است بگویید این ریشه در اعتقادات داری و آن ریشه در عرفیات دارد. آن یک بحث جدی است. آیا هرچه بشری و عرفی باشد، اجباری است و اگر ریشه خدایی و الهی داشته باشد، دلبخواهی و اجباری است؟!

بعد می‌فرمایید اجرائی کار اگرها را بکنیم. انقلاق می‌افتد. خب الان شما بفرمایید که می‌خواستید به اینجا تشریف بیاورید. تیول شدید دیگر شده و به‌سرخت داریم می‌آیید. اگر مقداری جلوتر بشیم بیشتر، چه کار می‌کنید؟ احتمالا سرتعت‌تان را وقتی نقطه در شکم مادر بسته می‌شد. برنامه‌های تعلیم و تربیت را شروع می‌کرد تا مرگ. تا «سان شوروی» ساخته شود. آخر چه شد؟ خودشان اعتراف کردند ما شکست خوردیم.

کولایی: یک باور است که انسان‌ها را بتوان انسان بسازیم. انسان به اعتبار هویتی که خداوند به او داده، آزاد و محترم است. ما هم انتظار داشتیم که به اراده و اختیار او احترام گذاشته شود. این همان است که مسیر خودش را انتخاب می‌کند. اما این رفتارهایی که داریم می‌بینیم، فکر می‌کنم با باورها و با اعتقادهای پیشین نمی‌خواهد. جامعه را مترقی‌تر می‌کند. جامعه را فراری می‌سازد. جامعه را دو می‌کند. جامعه را دو می‌کند. در هیچ کشور اسلامی نمی‌بینید. در کشور ما دختران می‌آیند وارد دانشگاه می‌شوند. روسری را سرشان می‌گذارند. از در دانشگاه که خارج می‌شوند روسری را برمی‌دارند (از ما می‌گویم).

و داخل دانشگاه چادر سرشان است؛ ولی وقتی از دانشگاه بیرون می‌آیند چادر را برمی‌دارند. در این چهل و چند سالی که انقلاب شده، رفتارهایی را می‌بینیم که فکر می‌کنم به عنوان زنی که حجاب دارم، درواقع توهین به حجاب است. اگر شما حجاب را باور دارید، باید همه شئونات و اجزای آن و آن رفتار مبتنی بر آن باور را هم در کنارش داشته باشید. ولی می‌بینید که تبدیل به پوششی شده برای یک زندگی دوگانه! این چیزی هست که وضعیت انتظارهای تاجیه توکید کنید. وقتی از زور و سرپیچی و از قانون دو توجه به روح قانون استفاده شود. شکل قانونی به رفتاری داده می‌شود که انسان مختار، آن را انتخاب می‌کند یا نمی‌کند. می‌پذیرید که به این شکل در جامعه ظاهر شود که به عنوان موجود جنسی دیده نشود. به عنوان یک انسان بودن و توانایی‌های انسانی‌اش دنبشود یا معلم سر کلاس می‌رود یا در مرجع کار، انسان بودن و توانایی‌های انسانی‌اش دیده شود. نه اینکه یک زن زیباست یا این ویژگی‌ها. این نگاه دست آنکه حجاب را انتخاب می‌کند. آن کسی که انتخاب نمی‌کند، خب انتخاب نمی‌کند. چون قبول ندارد. یعنی شما وقتی با آن همه مجبور به کشف حجاب می‌شوید، آن کسی که حجاب را انتخاب می‌کند، یک جنبه‌هایی را احتمالا در جامعه ما تجربه می‌شود که در هیچ کشور اسلامی چنین چیزی را نمی‌بینید. در کشورهایی که در روابط کاملا اسلام و صادق و روراست می‌بینید. در حالی که در کشور ما با اجبار حجاب (فعلا به کارکردهای سیاسی آن نمی‌خواهم بپردازم؛ در اینجا وجه فرهنگی و اجتماعی‌اش را مطرح می‌کنم) جامعه با یه زندگی دوگانه، به رفتار دوگانه مبتلا می‌شود که هم‌دمند. درحالی‌که ما... دستکم من براساس باوری که از کودکی با آموزش‌های خانواده و مدرسه... در همان نظام بادشاهی به ما

کولایی: پس یک مقدار بالا آمده الحمدالله (خنده). بحثی که خانم دکتر دانما مطرح می‌کنند، بحث خانم و آقا یا زن و مرد است. من موافق بودم اگر یک جلسه راجع به این می‌گذاشتید. خیلی نکته جنسیتی دارید.

کولایی: شما زن نبودید در جمهوری اسلامی آقای دکتر!

گلپایگانی: من همین را می‌خواهم بگویم. شما مرد نبودید در جمهوری اسلامی. الان جرا به حقوق مردان نمی‌پردازند؟ الان مردان چه وضعی پیدا کرده‌اند؟ یعنی جرا مرد یک نیروی خدماتی پشتیبانی نشانه شده است. در زمان طاغوت/شاه ۲۳ درصد زن‌ها دانشگاه می‌رفتند. الان چند درصد است؟ ۶۳ درصد است. یعنی خانم‌ها در بالاترین مسند تعلیمی، تربیتی و فکری از مردها بیشتر هستند و بر اساس این ناترازی می‌دانید چه مشکلی پیش می‌آید؟

کولایی: ولی نه در قدرت تصمیم‌گیری و نه در نهادهای تصمیم‌گیری...

گلپایگانی: بعد از چهار سال، در مقابل ۶۰-۷۰ درصد از خانم‌ها که لیسانس و فوق‌لیسانس گرفته‌اند، فقط ۳۰-۴۰ درصد افراد تحصیل‌کرده آقایان هستند. ۶۰-۷۰ درصد آنها دنبال پول و کاسبی رفته‌اند. بعد به تعداد خانم‌هایی که می‌خواهند ازدواج کند، کفو علمی پیدا نمی‌شود. ارزش‌ها از علم به پول تبدیل می‌شود. یعنی دخترخانم مجبور است با یک دیپلمه که پول دارد، مثلا ماشین یا یک خانه داشته باشد، ازدواج کند یا اصلا ازدواج نکند. بعد این تعارض‌ها ایجاد می‌شود. این شاید یک بحث مفصلی می‌خواهد.

کولایی: منظورتان در حد دانشجویان است. در حد هیئت علمی فاصله هنوز بسیار زیاد است. یعنی به بازار کار راه پیدا نکرده‌اند.

گلپایگانی: هست، اما شما ببینید! رشد ورود خانم‌ها در هیئت علمی الان از آقایان بالاتر است. دائما دارد حرکت می‌کند. شما الان نگاه کنید. اصلا کجا هست که خانم‌ها نباشد؟ در مجلس خبرگان نمی‌توانند وارد شود و رهبر انتخاب کند.

کولایی: ولی نسبت، زنان در نهادهای قدرت نیستند.

گلپایگانی: چرا؟ چون که مجتهد نشدند. نخواندند.

کولایی: ما زنان مجتهد هم داریم. مگر نداریم؟

گلپایگانی: می‌دانم. من یک بار دارم می‌گویم که شما سیاست کلی را نگاه کنید. چرا مدام دوگانگی زن و مرد می‌خواهید درست کنید؟

کولایی: شما نمی‌توانید واقعیت را ندیده بگیرید. باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های در حال دگرگونی، رفتارتان را تنظیم کنید.

گلپایگانی: نادیده نمی‌گیرم، یک بار واقعیت است و یک بار هم به اینها دامن‌زدن است. چرا ما باید مرتب با نگاه جنسی به مسائل نگاه کنیم؟ بله، در حجاب اصلا یکی از فلسفه‌ها و دلایلی که حجاب در اجتماع گذاشته می‌شود، این است که شما تجلی و ظهور جنسیتی نداشته باشید. خانم! شما ظهور کاری داشته باش، آقا! شما ظهور کاری در جامعه داشته باش. مسائل جنسیتی در محیط خانواده است، نه در جامعه. محیط جامعه، محیط کار، تلاش و علم است. در محیط کار و علم لباس کار و علم نیاز است. نباید لباس خانه را در محیط کار و علم بپوشید. خب اگر کسی آمد خودش را آنچنان آرایش کرد، جاذبه‌های جنسیتی ایجاد کرد، به او می‌گویند چون شما در محیط کاری، لباس کاری داشته باش نه لباس جنسیتی. اگر کسی آمد با لباس جنسیتی وارد جامعه شد، اگر به او می‌گویند که شما طبق این قانون باید حجاب داشته باشید، می‌گویند آی! چرا به زن‌ها ظلم شد؟ اتفاقا طبق فرمایش شما به همین دلیل نباید در محیط اجتماع جاذبه‌های جنسیتی داشت.

کولایی: شما به صحبت‌های من توجه نمی‌کنید...

گلپایگانی: نکته جنسیتی نباید داشته باشید.

کولایی: حجاب تقلیل داده می‌شود به یک پوشش خاص. وقتی به یک سلیقه خاص تقلیل داده می‌شود، طبیعی است که شکل تقلیل داده می‌شود. از روح خودش خارج می‌شود. ببینید، من چون دریک خانواده مذهبی رشد کرده‌ام و در مدرسه مذهبی (جامعه تعلیمات اسلامی) تحصیل کرده‌ام، این دوگانگی‌ها را در تمام آموزش این بخش از جامعه نمی‌بینم و نمی‌توانم ببینم. این دوگانگی‌ها در سیستم آموزشی و تربیتی جمهوری اسلامی بعد از انقلاب اسلامی، پیامدش هم روشن است؛ وقتی شما فقط به شکل و صورت بپردازید، انسان‌های دوگانه به‌ار می‌آورید. وقتی ارزش را فقط به صورت و ظاهر بدهید، به ریش و چادر بدهید، آدم‌ها را به سوی ریا و دورویی سوق می‌دهید.

گلپایگانی: همه قوانین خوب هست. اصل شما بیک قانون باطنی دارید؟ بعد می‌گوید در چارچوب قوانین اقتصادی شما باید کار باطنی بکنید.

کولایی: حجاب مناظرات است. رعایت حجاب با باورهای اسلامی ارتباط دارد. با حکم و دستور شکل نمی‌گیرد.

گلپایگانی: الان شما نماز می‌خوانید. نماز چیست؟ ظاهر؛ شما بلند می‌شوید. وِلا می‌نشوید...

کولایی: شما می‌توانید من را مجبور کنید نماز بخوانم؟! آیا می‌توانید برای نماز خواندن مردم قانون وضع کنید؟ البته یک دوره‌ای این کارها را کردند... برای نمازخواندن من با خدا طرف هستم. به او پاسخ می‌دهم. نه شما و حکومت!

گلپایگانی: خب! مجبورتان کنند، من نمی‌کنم.

کولایی: یک دوره‌ای آقایان در مجالس این کارها را کردند یک دوره‌ای؟! آقای دکتر! مردم ارزیم آثار آن را می‌بینیم. خدا را به احکام دین جهرگاه تبدیخ‌تش نکنید.

گلپایگانی: بنده این باسخ‌گوی همه اشتباهات گذشته نیستم. من الان دارم یک بحثی را مطرح می‌کنم که ببینید! همه قوانین حقوقی ما اجرایی است. همه قوانین دینی هم اجرایی خداوند است. گفته اگر نماز نخواند، من آتش برایت می‌آورم. خب خدا چنین کارهایی را می‌کند.

کولایی: شما نمی‌توانید من را مجبور کنید. شما نمی‌کنید

گلپایگانی: کسب امر را بروید. شما انتخاب کردید. خداوند می‌گوید من خیر و شر دست و غلط را برای شما روشن کردم و باید اطاعت کنید. ولی شما انتخاب کردید که این الزام‌ها را بپذیرید. این انتخاب ارزش دارد جراکه باوری بتوانند آن است و برای یا و نفاق نیست.

کولایی: اگر انتخاب نکنید، خدا کاری با شما ندارد؟

گلپایگانی: شما نباید وارد رابطه من و خداوند شوید. ما نمی‌خواهیم الان وارد این بحث بشویم. ولی اصل این رابطه انتخاب شماست. لا اله الا الله را شما رسما می‌گویید. شما ایمان می‌آورید و به آن پیامدهایش هم می‌رسید. ببینید! بحث اینجاست. حرف من این است که ما در یک ساخت قدرت و در یک نظام سیاسی مشخص بحث می‌کنیم.

زمانی که تدریسم را در دانشگاه شروع کردم، بوی دولت اتحاد شوروی متمرکز شده. دوران بیش از کورباچف، دوران گورباچف و دوران بعد از فروپاشی. باور من این است، استفاده از تجربه‌های این حکومت بسیار مفید است. یکی از تجربه‌هایی که به مسلمانان شده. این است که بروید ببینید دیگران چه کردند! از تجربه‌هایشان درس بگیرید. این حکم صریح قرآن است. بروید خودتان را ارزیابی کنید. شما به‌درستی فرمودید که این سیاست‌ها دست نبوده. خب! درست نبوده که این پیامدهایش را امروز می‌بینیم. چرا به جای اینکه به این همه‌ها نزدیک شویم، از آنها دور شدیم؟ چرا به جای اینکه عشق ایجاد شود، نفرت ایجاد شد

کولایی: چه کردند؟

گلپایگانی: اگر شما تاریخ را بخوانید، الان این‌طوری کردند و آن‌طوری شدند. و... خوب اینها یک مقدار کار کرده و برده‌های روزنامه‌ای دارد که مردم خودشان نشان بیاید و بگویند که این‌طور صحبت‌ها خوب است. حتی در همه کشورها اجباری است؛ یعنی شما یک کشور سراغ دارید که مثلا بگوید یکی برهنه به خیابان برود؟

کولایی: شما زن نبودید در جمهوری اسلامی آقای دکتر!

گلپایگانی: من همین را می‌خواهم بگویم. شما مرد نبودید در جمهوری اسلامی. الان جرا به حقوق مردان نمی‌پردازند؟ الان مردان چه وضعی پیدا کرده‌اند؟ یعنی جرا مرد یک نیروی خدماتی پشتیبانی نشانه شده است. در زمان طاغوت/شاه ۲۳ درصد زن‌ها دانشگاه می‌رفتند. الان چند درصد است؟ ۶۳ درصد است. یعنی خانم‌ها در بالاترین مسند تعلیمی، تربیتی و فکری از مردها بیشتر هستند و بر اساس این ناترازی می‌دانید چه مشکلی پیش می‌آید؟

کولایی: ولی نه در قدرت تصمیم‌گیری و نه در نهادهای تصمیم‌گیری...

گلپایگانی: بعد از چهار سال، در مقابل ۶۰-۷۰ درصد از خانم‌ها که لیسانس و فوق‌لیسانس گرفته‌اند، فقط ۳۰-۴۰ درصد افراد تحصیل‌کرده آقایان هستند. ۶۰-۷۰ درصد آنها دنبال پول و کاسبی رفته‌اند. بعد به تعداد خانم‌هایی که می‌خواهند ازدواج کند، کفو علمی پیدا نمی‌شود. ارزش‌ها از علم به پول تبدیل می‌شود. یعنی دخترخانم مجبور است با یک دیپلمه که پول دارد، مثلا ماشین یا یک خانه داشته باشد، ازدواج کند یا اصلا ازدواج نکند. بعد این تعارض‌ها ایجاد می‌شود. این شاید یک بحث مفصلی می‌خواهد.

کولایی: منظورتان در حد دانشجویان است. در حد هیئت علمی فاصله هنوز بسیار زیاد است. یعنی به بازار کار راه پیدا نکرده‌اند.

گلپایگانی: هست، اما شما ببینید! رشد ورود خانم‌ها در هیئت علمی الان از آقایان بالاتر است. دائما دارد حرکت می‌کند. شما الان نگاه کنید. اصلا کجا هست که خانم‌ها نباشد؟ در مجلس خبرگان نمی‌توانند وارد شود و رهبر انتخاب کند.

کولایی: ولی نسبت، زنان در نهادهای قدرت نیستند.

گلپایگانی: چرا؟ چون که مجتهد نشدند. نخواندند.

کولایی: ما زنان مجتهد هم داریم. مگر نداریم؟

گلپایگانی: می‌دانم. من یک بار دارم می‌گویم که شما سیاست کلی را نگاه کنید. چرا مدام دوگانگی زن و مرد می‌خواهید درست کنید؟

کولایی: شما نمی‌توانید واقعیت را ندیده بگیرید. باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های در حال دگرگونی، رفتارتان را تنظیم کنید.

گلپایگانی: نادیده نمی‌گیرم، یک بار واقعیت است و یک بار هم به اینها دامن‌زدن است. چرا ما باید مرتب با نگاه جنسی به مسائل نگاه کنیم؟ بله، در حجاب اصلا یکی از فلسفه‌ها و دلایلی که حجاب در اجتماع گذاشته می‌شود، این است که شما تجلی و ظهور جنسیتی نداشته باشید. خانم! شما ظهور کاری داشته باش، آقا! شما ظهور کاری در جامعه داشته باش. مسائل جنسیتی در محیط خانواده است، نه در جامعه. محیط جامعه، محیط کار، تلاش و علم است. در محیط کار و علم لباس کار و علم نیاز است. نباید لباس خانه را در محیط کار و علم بپوشید. خب اگر کسی آمد خودش را آنچنان آرایش کرد، جاذبه‌های جنسیتی ایجاد کرد، به او می‌گویند چون شما در محیط کاری، لباس کاری داشته باش نه لباس جنسیتی. اگر کسی آمد با لباس جنسی